

حیات و نقش نشریات ادبی

میزگرد «حیات و نقش نشریات ادبی»، صبح روز پنجشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۸۷، از سوی بخش همکاری و فعالیت فرهنگی سفارت فرانسه در کتابخانه ملی ایران برگزار شد. مناسبت این نشست سفر سردبیر نشریه فرانسوی کارگاه رمان، *Atelier du Roman*، آقای لاکیس پروگوئیدیس *Lakis Proguidis* و دبیر تحریریه این نشریه، خانم تئودورا ساکلابانی *Théodora Saclabani*، به ایران و هدف از آن آشنایی و تبادل نظر این دو نفر با مدیران، سردبیران، و نویسندگان نشریات ادبی ایران بود.

ابتدا ژان ایو ژیلون *Jean Yves Gillon*، مسئول امور زبان فرانسه در بخش فرهنگی سفارت، که ریاست جلسه را بر عهده داشت، از طرف رئیس کتابخانه ملی به حاضران خوش آمد گفت و حضور یافتن اکثر مدعوین جلسه را نشانگر نقش فعال ایران در عرصه‌های فرهنگی دانست. سپس با توضیح اینکه نشریه کارگاه رمان از نشریات فعال ادبی محسوب می‌شود و در فرانسه و کانادا انتشار می‌یابد، از لاکیس پروگوئیدیس دعوت کرد تا درباره نشریه‌اش صحبت کند و در ضمن تأکید نمود که جلسه در غالب گفتگو و مباحثه پیش رود.

مدیر نشریه کارگاه رمان از برگزارکنندگان جلسه سپاسگذاری کرد و اظهار داشت که او و همکارش، طی چند روز اقامت در ایران، بیش از هر چیز به این نکته پی برده‌اند که



● نشست سردبیر کارگاه رمان با نویسندگان ایرانی در کتابخانه ملی



● ژان کلردوآزن مسئول بخش فرهنگی سفارت فرانسه

نسبت به آنچه خارج از مرزهای فرانسه می‌گذرد بی‌اطلاع بوده‌اند. سپس درباره کارگاه رمان که از سال ۱۹۹۳ منتشر می‌شود گفت: «موضوع این نشریه بیشتر تأمل و مذاقه درباره رمان است تا آثاری که خلق می‌شود و این بدان معناست که ما عرصه وسیعی برای تفسیر آثار گذشته و معاصر پیش رو داریم که نمی‌خواهیم آن را تنها در دست روزنامه‌نگاران و متخصصان رها کنیم. ما به این فکر افتادیم که طی دهه‌های متمادی، به‌خصوص در فرانسه، مفهوم کارگاه را فراموش کرده بودیم. کارگاه جایی است که هنرمندان یکدیگر را ملاقات می‌کنند تا با یکدیگر تبادل نظر نمایند.» او با پیشنهاد اینکه حاضران تنها به معرفی نشریه خود اکتفا نکنند و از این گردهمایی برای تبادل تجربیاتشان بهره‌جویند، چند جلد از شماره پنجاه و یکم کارگاه رمان را توزیع کرد و افزود: «در سخنرانی‌های چند روز اخیر خانم ساکلابانی که درباره معرفی نشریه کارگاه رمان ایراد شد، ایشان هر بار به پنج نکته مهم اشاره کردند که ما همواره می‌کوشیم شکل ظاهری، ساختار و محتوای کارگاه رمان بر اساس آن باشد.» سپس نکات مزبور را برشمرد و هر یک را شرح داد:

- نکته اول: حفظ، مرمت، و غنی‌سازی پیوندهای سنتی.

در مغرب زمین، جایی که من در آن زندگی می‌کنم، ما بیش از پیش شاهد یکسان‌سازی جهان هستیم. در مقابل چنین تهدیدی، که بر علیه انسان و تمدن است، همیشه سنت‌گرایی مطرح می‌شود. فکر می‌کنم ابراز چنین ضدیتی حداقل از سوی یک نشریه ادبی اشتباه باشد. اگر بپذیریم که این افکار هستند که هر روز بیشتر شبیه به هم می‌شوند، آیا باز هم باید خود را به آغوش گذشته بیفکنیم؟

در برابر دنیای یکنواخت، تکراری و ملال‌انگیز امروز، گذشته می‌تواند خلاقیت‌برانگیز باشد. ارزش گذشته به خاطر غنای آن است، نه تصویر ثابت و منجمدش. خلاصه اینکه یک نشریه ادبی باید نسبت به این موضوع آگاه باشد که تاریخ بشر بسیار غنی و بسیار ارزشمندتر از دنیای یکنواخت امروز است.

- نکته دوم: ارتقاء یک دیالوگ زیباشناسانه حقیقی.

از پایان قرن نوزدهم تا دهه هشتاد قرن گذشته شاهد پدیده‌ای بوده‌ایم که من آن را جنگ آوانگاردها می‌نامم. ما یک شبه این جنگ را با صلح - اینکه همه چیز ارزشمند است - عوض کردیم؛ از جنگ رؤسای آوانگارد به نسبیّت رسیدیم، که براساس آن هر که مدعی هنر باشد را هنرمند می‌نامند. در این میان وظیفه نشریه ادبی جستجوی واقعیت، حفظ زیبایی و بهترین‌هاست.



● نتودورا ساکلایانی و لاکیس پروکونیدیس از مجله کارگاه رمان



● ژان ابوزیلون و آرمان کریمی گودرزی

- نکته سوم: اعتنا نکردن به تضاد طبیعی نسل‌ها:

همیشه شاهد انتقال قدرت از پیرترها به جوان‌ترها، تحت لوای برابری، بوده‌ایم. ما در این راه گامی دیگر به جلو برداشته‌ایم و قدرت را به کودکان داده‌ایم. همه می‌دانند که کودکان نقطه ضعف مصرف‌گرایی هستند. من فکر می‌کنم نشریه ادبی می‌بایست در این جهش انسان‌شناختی حضور داشته باشد و نسل‌ها را در هم ادغام کند.

- نکته چهارم: اجتناب از واژگان تخصصی که متخصصان مدعی آن هستند.

معتقدم که متخصصان حقیقی قادرند نظراتشان را توضیح دهند. در کشور ما مبالغ کلانی صرف آموزش توده مردم می‌شود و ما تقریباً بی‌سواد نداریم. با این حال حیرت آور است که فارغ‌التحصیلان دبیرستان نمی‌توانند نشریات ادبی را بخوانند. واقعاً غم‌انگیز است و البته این تقصیر آنها نیست، مقصر نشریات ادبی هستند. هر شماره از نشریه ادبی باید برای یک مخاطب متوسط هم قابل خواندن باشد.

- نکته پنجم: ایجاد فعالیت‌های موازی برای شرکت دادن مخاطبان در بحث‌ها.

نشریه ادبی یک جهان بسته نیست. ما حلقه ارتباط نویسندگان و مخاطبان هستیم؛ همان قدر که به خلاقیت و ابداع هنرمندان توجه داریم، می‌بایست نسبت به واکنش خوانندگان، اینکه اثری را چگونه می‌خوانند و چه برداشتی از آن دارند، نیز کنجکاو باشیم.

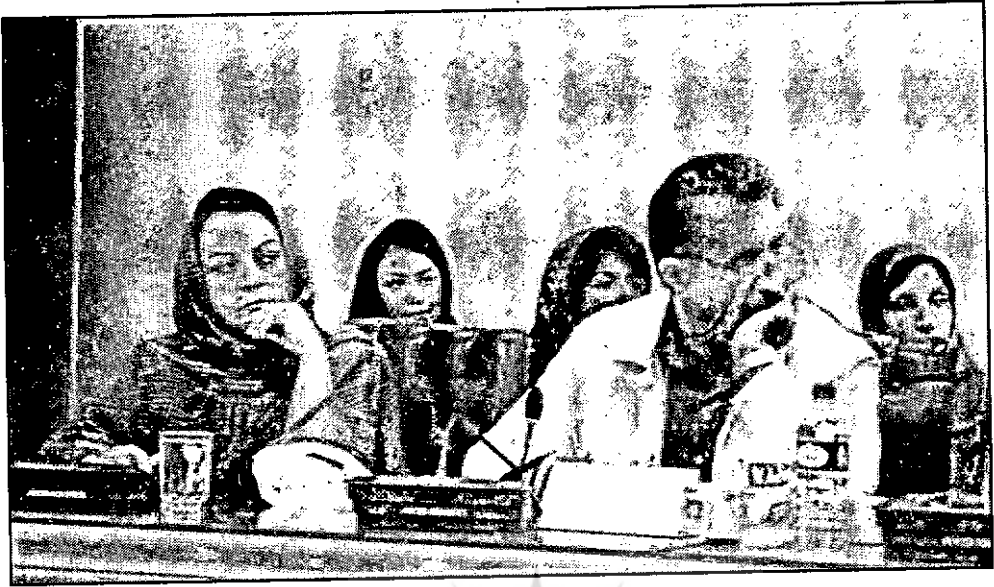
فرخنده حاجی‌زاده، سردبیر مجله قال و مقال، پس از خیرمقدم به میهمانان اظهار داشت که پیش از آنکه سردبیر باشد نویسنده و شاعر است و ضمن احترام به سنت‌های ادبی به جریان‌های جدید و آوانگارد نظر دارد. او درباره سخنان لاکیس پروگوئیدیس سه سؤال را مطرح کرد و پرسید: «مرز تلاقی ملال‌ها از سنت و پیوستن به جریان‌های جدید در نشریه ایشان کجاست؟» و اینکه: «اگر یک نشریه ادبی راه را بر واژگان تخصصی ببندد و برای معرفی آنها انرژی صرف نکند و فضا را باز نکند، زبان به ایستایی نمی‌رسد؟» و بالاخره: «آیا ایشان واقعاً سعی می‌کنند حلقه و پلی باشند بین نویسنده و مخاطب؟ اگر چنین باشد، این با حرف‌های دیگرشان در تضاد خواهد بود.»

لاکیس پروگوئیدیس، ضمن اشاره به اینکه نمی‌خواهد صرفاً در جایگاه سخنران و پاسخگو قرار گیرد، در توضیحات نسبتاً مفصلی به سئوالات مطرح شده پاسخ گفت: «همانطور که قبلاً اشاره کردم، من از دید یک انسان غربی سخن می‌گویم. بنابراین آوانگاردیسم را به عنوان تجربه‌ای تاریخی در نظر می‌گیرم، وگرنه حرف تازه خصیصه ذاتی هنر است. هومر، دانته، راوله، سروانتس، و جویس همگی آثار نو آفریده‌اند، اما

هیچ یک نگفته‌اند که ما گذشته را رها کرده‌ایم و یکسره به سوی آینده‌ای مشعشع پیش می‌رویم. از دید آوانگارها هدف غایی هنر تنها در نوآوری است و نتیجه مخالفت با چنین دیدگاهی این بوده که امروز هر کس بتواند خود را هنرمند بنامد. در غرب، ما در کانون (Inertia) این مباحث قرار گرفته‌ایم و این به خاطر مطالعات گسترده درباره تاریخ تکوین آوانگاریسم و آموزش‌ها و نهادهایی است که پیرامون آن بوجود آمده، البته دیگران مجبور نیستند، واکنش مشابه آنچه ما به آوانگاریسم داشته‌ایم، نشان دهند. آوانگاریسم در طول زمان به کشورهای دیگر رفته، مورد بحث، بررسی، تشریح، و تفسیر قرار گرفته، از سنت‌های دیگر عبور کرده و به ما رسیده، که البته می‌تواند موجب غنای کار ما باشد و به همین خاطر است که الان ما اینجا نزد شما هستیم.

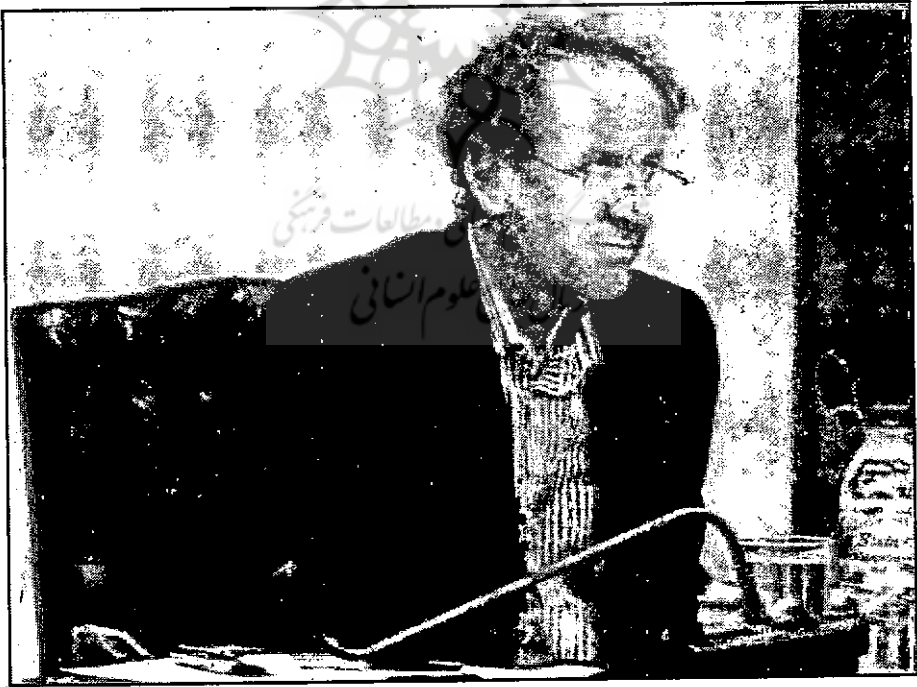
به کار بردن واژگان تخصصی نتیجه‌گرایشی بود که در فضای هنری قرن نوزدهم در غرب شکل گرفت. نزدیک شدن علوم انسانی به زبان علوم دقیقه، که بر اساس دیدگاه علمی‌سازی جهان صورت گرفت، هنر را در دام این باور غلط انداخت که می‌تواند با اصطلاحات علمی انسان را نیز مانند هر پدیده دیگری توصیف کند. درباره ارتباط نویسنده و مخاطب تنها می‌توانم از تجربه خودمان یاد کنم و بگویم کار نشریه ادبی با انتشار یک شماره تمام نمی‌شود. ما در دیدارهای رسمی با نویسندگان و دست‌اندرکاران این زمینه گفتگو می‌کنیم و علاوه بر آن پای صحبت مخاطبان می‌نشینیم؛ یعنی کسانی که نویسنده نیستند - و نمی‌خواهند نویسنده باشند. آنان درباره فعالیت‌های ما قضاوت می‌کنند، مثلاً درباره سفرمان به ایران و فعالیت‌های احتمالی که در این زمینه خواهیم داشت.»

مدیاکاشیگر، سخنان خود را این چنین آغاز کرد: «من نمی‌دانم در کانادا چه می‌گذرد، اما ما در ایران با بحرانی مواجه هستیم که من آن را بحران اتوریته ادبی می‌نامم.» وی با اشاره به اینکه انقلاب گوتنبرگی آغاز دموکراتیک شدن مصرف ادبی و پیدایش اینترنت آغاز دموکراتیک شدن تولید ادبی بوده است، گفت: «با گذشت بیست سال از انقلاب "وب" ما شاهد عوارض جانبی آن هستیم؛ بیست سال پیش همه عطش داشتند بدانند در اینترنت چه خبر است و الان کسی حوصله ندارد ببیند در این همه وبلاگ چه نوشته‌اند. به این ترتیب مقامی که بیست سال پیش حضورش به شدت مورد اعتراض بود، اکنون غیبتش به طرز وحشتناکی حس می‌شود و آن اتوریته‌ای است که به ما بگوید فلان متن ارزش خواندن دارد و وقت ما را تلف نمی‌کند. من فکر می‌کنم وظیفه یک نشریه ادبی قبل از هر چیز این است که نقش اتوریته ادبی را ایفا کند.»



● مصطفی رحماندوست و فرخنده حاجی زاده، مدیر مجلهٔ قال و مقال

۳۹۴



● دکتر عباس پژمان مترجم ادبیات فرانسوی زبان

علی دهباشی، سردبیر بخارا و سیمیا به میهمانان خوش آمد گفت و ایشان را از حضور محمود دولت‌آبادی، «مهمترین رمان‌نویس زبان فارسی» در جمع آگاه ساخت. او پس از اشاره کوتاهی به ۳۵ سال سابقه کاری‌اش در نشریات ادبی ایران، به معرفی بخارا و سیمیا پرداخت و شرح مختصری از فعالیت‌های نشریه بخارا ارائه داد، که معرفی و بررسی آثار نویسندگان، هنرمندان و متفکران ایران و جهان به صورت انتشار ویژه‌نامه و برگزاری بزرگداشت‌هایی با نام شب‌های بخارا از آن جمله است. سردبیر بخارا به تاریخچه نشریات ادبی ایران پرداخت و گفت: «داستان نشریات ادبی در ایران با آنچه شما در آنجا دارید متفاوت است. اولین نشریه ادبی ما در سال ۱۹۰۶، مصادف با انقلاب مشروطیت، کارش را آغاز کرد و اولین نشریه مستقل ادبی توسط شاعری بزرگ به نام ملک‌الشعرای بهار منتشر شد که دانشکده نام داشت. نشریات ادبی ایران تا شهریور ۱۳۲۰ ارگان تشکلی‌های ادبی بودند. با شرایط سیاسی که پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران به وجود آمد نشریات ادبی حضور مؤثرتری پیدا کردند. بزرگترین نویسندگان و شاعران ایرانی توسط نشریات سخن و آرش معرفی شدند.» وی چند تن از این شخصیت‌ها را نام برد.

علی دهباشی در بخشی دیگر از صحبت‌هایش از میهمانان فرانسوی سؤال کرد: «شما در مجله‌تان چه معیارهایی برای معرفی آثار اولی‌ها دارید و آیا شما هم با این تولید وسیع مواجه هستید یا خیر؟»

لاکیس پروگوئیدیس در پاسخ گفت: «جواب دادن به این سؤال مشکل است. در بسیاری کشورها از جمله فرانسه و آلمان نیز همین شرایط وجود دارد. به عنوان مثال در کشور مبدأ من، یونان، ما از بیست کتاب رمان در سال ۱۹۸۰ یک‌بار به ۳۵۰ عنوان در سال رسیدیم. چنین وضعیتی مسلماً خطرناک است؛ خواننده تشویق می‌شود که از طریق نوشتن مشهور شود. از سوی دیگر ناشران بزرگی که مرتباً در کشورهای مختلف حضور پیدا می‌کنند نوشته‌های این افراد را منتشر می‌سازند و این چرخه همچنان ادامه دارد. مقابله با این وضع آسان نیست اما بسیاری از همکاران ما در اقصی نقاط جهان به صورت انفرادی در برابر این جریان مقاومت می‌کنند. تنها امیدی که می‌توان داشت این است که به طور جمعی با این افراد همکاری کنیم تا اوضاع کمی بهتر شود.»

دکتر عباس پژمان نظر پروگوئیدیس را درباره آوانگاردیسم فرانسه جويا شد و پرسید که آیا به نظر او آوانگاردیسم منجر به مرگ رمان فرانسوی شده است یا خیر. سپس با ذکر اینکه ژان ماری گوستاو لوکلزیو (Jean Marie Gustave Le Clézio) را نویسنده بزرگی می‌داند، از موقعیت وی، به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات، در مقایسه با سایر

نویسندگان امروز فرانسه سؤال کرد.

سر دبیر کارگاه رمان گفت:

«با اینکه به عنوان مهمان دولت فرانسه در اینجا حضور داریم، باید بگویم که نهادهای آکادمیک فرانسه در معرفی و اشاعهٔ آوانگاردیسم افراط کرده‌اند. توجه اغراق‌آمیز به آوانگاردها باعث شد از بسیاری از نویسندگان دیگر، نظیر مارسل امه و...، غافل بمانیم و آن‌طور که شایسته است به ایشان توجه نکنیم. حالا، برای جبران چنین اشتباهی به تلاش مضاعف نیازمندیم.»

«اگر بخواهم در جمع نویسندگان و همکارانم سخن بگویم، یادآوری می‌کنم که هر یک از ما در انتخاب کتاب ذوق شخصی خاص خودمان را داریم. پس این داوران نوبل نیستند که به ما می‌گویند چه کتابی از دیگری بهتر است. جنبش رمان‌نویسی که در دههٔ نود شکل گرفت ضمن اینکه از تنوع زیباشناختی برخوردار بود در بینش اخلاقی جدید نسبت به جهان وحدت‌آوری داشت. شاید بسیاری از نویسندگان این آثار نیز لایق دریافت جایزهٔ نوبل بوده‌اند. البته، من اصلاً دربارهٔ جایزه‌ای که به لوکلزیو داده شده قضاوت نمی‌کنم. افتخار می‌کنم که این جایزه را به یک فرانسوی داده‌اند ولی خلاقیت نویسندگان امروز را نباید فراموش کرد، شاید لوکلزیو نویسندهٔ امروز فرانسه نباشد. سکونی که در نهادهای آکادمیک حکمفرماست باعث می‌شود نویسندگان امروز ما چندان مورد توجه قرار نگیرند.»

۳۹۶

نسرین خطاط، سر دبیر نشریهٔ دانشگاهی قلم، روحیه‌ای را که در کارگاه رمان حکمفرماست قابل توجه دانست و از اینکه در مجلات دانشگاهی، که دارای درجهٔ رسمی علمی پژوهشی هستند، به فرم بیش از محتوا اهمیت می‌دهند اظهار تأسف کرد. بنا به گفتهٔ وی، مجلهٔ قلم وابسته به انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه است و بخش عمدهٔ مطالب آن را نتایج تحقیقات اساتید و دانشجویان مقطع دکتری تشکیل می‌دهد که در زمینهٔ ادبیات تطبیقی است و برای اولین بار منتشر می‌شود. او ضمن مردود دانستن گرایش مطلق به آوانگاردیسم، به اهمیت نقش علوم انسانی مجاور ادبیات، نظیر روانکاوی، فلسفه، جامعه‌شناسی، و زبان‌شناسی اشاره کرد که باعث شده‌اند بسیاری از نویسندگان کلاسیک فرانسه از نو شناخته شوند. همچنین فقدان فضای نقد را به خاطر «هضم نکردن مرحلهٔ فعلی» و «شیفتگی نسبت به نوآوری‌ها» عنوان کرد و رسیدن به مرحله‌ای که فرانسه اکنون در آن به سر می‌برد را مستلزم سپری شدن یک دورهٔ زمانی چهل پنجاه ساله دانست.



۳۹۷

● دکتر نسرین خطاط، استاد ادبیات فرانسه و سردبیر مجله قلم



● ژان کلود وازن وابسته فرهنگی فرانسه - کنستانتین پاسالیس وابسته فرهنگی یونان

لاکیس پروگوئیدیس گفت: «منظور من از اشاره به مفهوم کانون به هیچ وجه این نبود که بگویم ما در مرکز قرار گرفته‌ایم و دیگران در پیرامون هستند. اما پیشنهاد می‌کنم از منشاء این تئوری‌ها غافل نباشیم، اینکه ما در مورد آثار هنری همواره آنالیز را به کار می‌بندیم و سنتز را فراموش می‌کنیم نتیجه انتخاب جهان علم‌گرای قرن نوزدهم است. کسی که می‌تواند ما را از چنین خطری آگاه سازد هنرمند است، در واقع کار هنرمند همین است؛ کسانی چون ارنستو ساباتو Ernesto Sabato که اهل آرژانتین است و سه کتاب بر علیه انسان شیفته آنالیز نوشته و یا ویتود گمبروئیس Witold Gombrowicz که لهستانی است و پیش از آنکه حرفی از نشانه‌شناسی (Sémiotique) زده شود از نمادها سخن گفته است. من تئوریسین‌ها را به خاطر ابزاری که ابداع کرده‌اند تشویق می‌کنم ولی ابزار پزشکی نباید بیمار را نابود کند.

کنستانتین پاسالیس Konstantin Passalis، رایزن فرهنگی سفارت یونان، پیش از این بخش فرهنگ یونانی را با همکاری سفارت یونان و کتابخانه ملی ایران ایجاد کرده که برنامه بزرگداشت نیکوس کازانتزاکیس، شاعر بزرگ یونانی، از جمله فعالیت‌های آن بوده است. او ضمن اشاره به یونانی‌الصل بودن لاکیس پروگوئیدیس، از وی درباره سیاست‌های فرهنگی کشور فرانسه، در زمینه تشویق هنرمندان، سؤال کرد؛ اینکه توجه خاصی که به هنرمندان کشورهای افریقای شمالی، مثل مغرب و مراکش، می‌شود به خاطر ارزش هنری آثار ایشان است یا کاری تبلیغی برای زبان و کشور فرانسه محسوب می‌گردد.

لاکیس پروگوئیدیس ضمن ابراز خوشحالی از ملاقات با هموطنش و همچنین با خبر شدن از برگزاری بزرگداشتی برای نیکوس کازانتزاکیس در پاسخ به سؤال مطرح شده گفت: «بخشی از این سؤال سیاسی است و در حیطه کاری من نمی‌گنجد ولی درباره بخش فرهنگی آن می‌گویم که متأسفانه بعضی از هنرمندان اقلیت‌های قومی به اندازه یک شهروند فرانسوی امکان ارائه آثارشان را ندارند، این برای ما انسان‌ها چیز تازه‌ای نیست، سرنوشت بعضی از افراد این است که وقت بیشتری برای این کار می‌یابند. در این میان وظیفه دولت این است که امکانات را در اختیار بهترین استعدادها قرار دهد. درون یک جمهوری ما جمعیت‌های مجزا از هم نیستیم. تاکنون آثار ۳۵۰ نفر نویسنده در کارگاه رمان به چاپ رسیده که فقط نیمی از ایشان فرانسوی‌تبار بوده‌اند و بقیه از کشورهای آسیا، افریقا، امریکای لاتین و... ما نشست‌هایی را در شهر نفلیو (Nauplie) یونان برگزار کرده‌ایم. این شهر سه‌هزار نفری، پس از اینکه یونان از استعمار دولت

عثمانی بیرون آمد، پایتخت بود. ما در این جلسات به زبان فرانسوی صحبت می‌کنیم و البته ترجمه همزمان نیز صورت می‌گیرد. ما می‌کوشیم تا در این برنامه‌ها به تبادل زبان‌ها و حفظ میراث زبانی بپردازیم.

محمود دولت‌آبادی گفت: «من به عنوان یک ایرانی به شما خوش آمد می‌گویم. همیشه از حضور نویسندگان و اهل نظر در ایران استقبال کرده‌ام. این امتیاز خاصی برای ما ایرانی‌ها نیست ولی خوی زیباییست. از سخنانی که از شما در آغاز گفتگو شنیدم بسیار خرسندم. فکر می‌کنم، از زمانی که من این نکات را درباره ادبیات خودمان یادآور شده‌ام، چهل سالی می‌گذرد. بی‌رودریاستی بگویم، من آخرین نویسنده مهم کشور شما را آکبر کامو می‌دانم و فکر می‌کنم او به خواب شما آمده است تا یک بار دیگر در سال ۹۳ تریبونی را بنیاد کنید که می‌خواهد بگوید ادبیات امری است انسانی و انسان فراتر از چارچوب‌های ظاهراً عقلی است که در باطن می‌تواند به بندهایی تبدیل شود که آدمی (نویسنده و مخاطب) را تا بردگی فرو بکشاند. چون من روستایی هستم، و روستاییان معمولاً هیچ چیز را قطعاً باور نمی‌کنند و یک سوءظنی نسبت به هر چیز دارند، باید بگویم از ابتدا نسبت به آنچه آوانگاردیسم خوانده می‌شد، سوءظن دقیقی داشتم. شما هم اشاره کردید که دولت‌ها هم در این پروسه بی‌تأثیر نبوده‌اند، من نظر شما را تصدیق می‌کنم. در کشور ما هم در این سی سال بخصوص و قبل از آن حرکت‌هایی در عرصه‌های مختلف هنری به راه انداخته شد که می‌گویند چیزهای نویی است و متأسفم که اذعان کنم در این چیزهای نو من هیچ چیز نویی نیافتم. گمان می‌کنم فعالیت و کوشش شما بسیار شریف است. زیرا، اگر مردم دنیا بشوند، از زبان نویسندگان و اهل نظر فرانسوی، یک بار دیگر بازگشت به ادبیات صورت گرفته، این بسیار تأثیرپذیرتر از آن است که من، در مقام یک انسان سوم، آن را در این سو و آن سوی عالم فریاد بزنم. بنابراین نمی‌پرسم که به چه ضرورتی این بنیاد را ایجاد کرده‌اید، چون ضرورت‌هایش را می‌شناسم. خوب است در این تریبونی که دارید توضیح دهید که عقل چیزی نیست جز عگالی که به پای شتر بسته می‌شود. ما در کشورمان خردمندانی داشته‌ایم و می‌دانیم که «خرد» یعنی چه، و آن ارزشی است که با بند و بست آدمی در فرهنگ ما سازگار نبوده و پذیرفته هم نشده است، و متعادل‌ترین شخصیت‌های ما، به خصوص در ایران کلاسیک، آنهایی بوده‌اند که در هنر «خرد» و اشراق را فرآیند کرده‌اند.»

لاکیس پروگوئیدیس گفت: «بسیار هیجان زده‌ام و تنها در دو کلمه می‌گویم که من هم نیمه روستایی هستم. و اینکه می‌گویند هنرمندان از استعداد الوهی برخوردارند واقعیت



● محمود دولت‌آبادی از جریان رمان نو در فرانسه و ایران گفت

۴۰۰۱



● دکتر ژاله کهنمویی پور استاد ادبیات فرانسه و مدیر مسئول مجله قلم

دارد، راهی را که من رفته‌ام و چیزی که امروز به آن رسیده‌ام همه به خاطر کامو بوده است.»

ژاله کهنمویی پور، مدیر مسئول نشریه قلم، به این نکته اشاره کرد که یکی از معیارهای آکادمی نوبل این است که آثار نویسنده منتخب در جهان خوانندگان متعدد داشته باشد و لوکلزیو از جمله این نویسندگان است. سپس، در مخالفت با نظرات لاکیس پروگوئیدیس، گفت که اگر هنرمند به آنالیز نپردازد نمی‌توان او را هنرمند نامید. سپس به نقش آوانگاردیسم در درک آثار گذشته و مطالعات بینامتنی پرداخت و مخالفت با آوانگاردیسم را با رد رمانتیسم از سوی طرفداران باروک مقایسه کرد.

سردبیر کارگاه رمان اظهار داشت که شخصاً علاقه‌ای به آثار لوکلزیو نداشته و تنها پنج شش رمان او را مطالعه کرده و بنابراین شاید بیش لازم را برای قضاوت کردن درباره آثار او نداشته باشد. وی افزود: «واژه‌ها در زبان‌های گوناگون مفاهیم متفاوتی دارند، ظاهراً آنالیز در ذهن ایرانی به مفهوم تجزیه و تحلیل توأم با یکدیگر است. در یونان باستان هم همین‌طور بوده، ولی در حال حاضر تجزیه از تحلیل جداست. در این صورت ما از شما کمک می‌خواهیم که تئوری‌های ما را اصلاح کنید.

«تحول مفهومی است که از زیست‌شناسی وام گرفته شده است، اگر بخواهیم جریان‌های ادبی را روی یک خط، در کنار هم، قرار دهیم و آنها را به پیشرفت تعبیر کنیم، اشتباه کرده‌ایم. جریان اخیر بیشتر نوعی انفجار بوده تا پیشرفت.» وی در مخالفت با «بلاغت علوم» و اعتقاد مطلق به «آنچه در آینده روی خواهد داد» مثالی را از قول گیلبرت چسترتون Gilbert Keith Chesterton، نویسنده انگلیسی مطرح ساخت. چسترتون هنر را با انسانی مقایسه می‌کند که در خیابان راه می‌رود و گمان می‌کند که سیری را طی خواهد کرد، اما سفالی روی سرش می‌افتد و او متوقف می‌شود.

لاکیس پروگوئیدیس سخنانش را چنین پایان داد:

«من این جلسه را با سه چیز مهم ترک می‌کنم: یک مقاله درباره بحران اتوریته ادبی، که هنوز به دستم نرسیده، یک فکر جدید، که آن را با علی دهباشی در میان خواهم گذاشت و بالاخره سوء تفاهمی که درباره آوانگاردیسم به وجود آمده است و البته این سوء تفاهم‌ها هستند که حرفه ما را زیبا کرده‌اند.»

شرکت‌کنندگان این نشست، که دو ساعت و سی و هشت دقیقه به طول انجامید، عبارت بودند از:

اعضای سفارت فرانسه: سیلون فوریر Sylvain Fourrière (رایزن فرهنگی)، ژان

کلود و آزن Jean Claude Voisin (مسئول بخش فرهنگی)، ژان ایو ژیلون (مسئول امور زبان فرانسه)، آرمان کریمی گودرزی (مترجم).
رایزن فرهنگی سفارت یونان، کنستانتین پاسالیس.

سردبیران نشریات ایرانی: علی دهباشی مدیر مسئول و سردبیر بخارا، آرمینه آراکلیان مدیر مسئول و سردبیر پیمان، محمد زیار سردبیر نشریه دوزبانه *Le Poem* فرخنده حاجی زاده مدیر مسئول و سردبیر قال و مقال، ژاله کهنمویی پور مدیر مسئول و نسرین خطاط سردبیر قلم، شهین سراج رئیس وب سایت بهار.
و همچنین: محمود دولت آبادی، ترانه مسکوب، عباس پژمان، مدیا کاشیگر، مصطفی رحماندوست، احمد غلامی، محمدرضا بایرامی، فرشاد قربانپور و...

**A l'occasion du séjour en Iran
de M. Lakis Proguidis et Mme Théodora Saclabani,**

respectivement directeur et secrétaire de rédaction
de la revue franco-canadienne « l'Atelier du roman »,
une des plus importantes revues littéraires de langue française.

**la Bibliothèque nationale d'Iran
et
le service culturel de l'ambassade de France**

ont le plaisir de vous inviter à participer
à une table ronde sur le thème
« la vie et le rôle des revues littéraires »

qui se tiendra à la bibliothèque nationale d'Iran le jeudi 16 octobre de 10h30 à 12h30.
Les débats se dérouleront en persan et en français et seront traduits.

توجه! توجه!

نشانی جدید سایت مجله بخارا :

www.bukhara-magazine.com